

Sociological study of codification phenomenon Bilingual Kurdish - Persian In the students

K. Azizi¹, A. Azizifar^{2*}, H. Ghohari³, Sh. Validi⁴

Assistant Professor at Ilam University, Assistant Professor at Ilam University, Assistant Professor at Ilam University, Assistant Professor at Ilam University

بررسی جامعه‌شناختی پدیده رمزگردانی دوزبانه‌های کردی کلهری - فارسی در دانش‌آموزان

کیوان عزیز^۱، اکبر عزیز^{۲*}، حبیب گوهری^۳، شهرام ولیدی^۴

۱. استادیار دانشگاه آزاد ایلام؛ ۲. استادیار دانشگاه آزاد ایلام؛ ۳. استادیار دانشگاه آزاد ایلام؛ ۴. استادیار دانشگاه آزاد ایلام

Abstract

Purpose: The aim of this study was to Sociology phenomenon of Persian Kurdish bilingual .

Method: The research method was descriptive and correlational and it is applied research. The study population was including all of the high school students in sarpolzahab in the academic years 2016-2017. Due to the fact that the whole population was 3896, by using the Morgan formula, 400 male and female students were selected. According to gender, stratified sampling method has been used. Data collection tools included he questionnaire was (Prasher.1980). to analyze the data, descriptive statistics indexes including mean and standard deviation and in the deductive statistics section were used to test the t - dependent test, t test t, independent sample t test and variance analysis.

Findings: The results showed that the use of Persian language in the spheres of family, friendship, neighborhood, and administrative affairs was significantly more than the Kurdish language ($p = 0.00$). However, the use of Persian language in the school district was significantly more pronounced in Kurdish language (p=0/01). Also, the use of Persian language at all levels of education; students with pre-university education are more likely to use Persian than the rest of the basic level. Also, first-degree subjects are more likely to use bullying than other groups and individuals with pre-university education ($P = 0.000$, $P = 0.209$). Also, among the users of Kalhori language in two groups of sex in all social domains, Persian language use among girls is more than boys and boys tend to use cholera language more than girls, and statistical results confirm a significant difference between sexes. ($P=0/002$).

Keywords: Code-switching .Code-mixing . Bilingual. sociology; Kurdish language; Persian language.

چکیده

هدف: هدف از انجام این پژوهش بررسی جامعه‌شناسی پدیده رمزگردانی دوزبانه‌های کردی فارسی بود.

روش: این پژوهش از نظر روش گردآوری داده‌ها جزء پژوهش‌های توصیفی از نوع همبستگی است؛ و براساس ماهیت جزء پژوهش‌های کاربردی محسوب می‌گردد. جامعه آماری شامل کل دانش‌آموزان مقطع متوسطه دوم شهرستان سرپل‌ذهاب در سال تحصیلی ۹۷-۱۳۹۶ است. با توجه به این‌که حجم کل جامعه آماری ۳۸۹۶ نفر بود؛ با استفاده از جدول مورگان ۴۰۰ نفر (۲۰۰ دختر؛ ۲۰۰ پسر) در مقطع اول، دوم و سطح پیش‌دانشگاهی در بین دانش‌آموزان پسر و دختر به‌عنوان حجم نمونه در نظر گرفته شد. از شیوه نمونه‌ای طبقه‌ای نسبتی بر حسب جنسیت استفاده شده است. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه الگوی پژوهشی پاراشر (۱۹۸۰) بود. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از شاخص‌های آمار توصیفی شامل میانگین و انحراف معیار و در بخش آمار استنباطی از آزمون t دو نمونه وابسته، آزمون t دو نمونه مستقل و تحلیل واریانس استفاده شد.

یافته‌ها: نتایج نشان داد کاربرد زبان فارسی در حوزه‌های خانواده، دوستی، همسایگی، اداری به‌طور محسوسی از زبان کردی کلهری بیشتر بود ($p=0/00$) اما کاربرد زبان فارسی در حوزه مدرسه به‌طور محسوسی از زبان کردی کلهری بیشتر بود ($p=0/01$). همچنین کاربرد زبان فارسی در تمام سطوح مختلف تحصیلی، دانش‌آموزان دارای سطح تحصیلات پیش‌دانشگاهی بیش از بقیه و افراد پایه اول کمتر از دیگر سطوح تحصیلی از زبان فارسی استفاده می‌کنند. همچنین افراد پایه اول بیشتر از دیگر گروه‌ها و افراد دارای سطح تحصیلات پیش‌دانشگاهی کمتر از بقیه گروه‌های تحصیلی از زبان کلهری استفاده می‌نمایند ($F=4/209$ ، $p=0/000$). همچنین بین کاربران زبان کلهری در دو گروه جنسی در کل حوزه‌های اجتماعی کاربرد زبان فارسی بین دختران بیشتر از پسران است و پسران نیز بیشتر از دختران به استفاده از زبان کلهری تمایل دارند و نتایج آماری تفاوت معنی‌دار بین دو جنس را تأیید می‌کند ($P=0/002$).

کلیدواژه‌ها: رمزگردانی، رمزآمیزی، دوزبانه، جامعه‌شناسی، زبان کردی، زبان فارسی.

Accepted Date: 2018/08/22

Received Date: 2017/05/02

دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۰۲/۱۳

پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۰۶/۰۱

مقدمه و بیان مسأله

زبان‌شناسان اجتماعی علاقه‌مندند بررسی کنند که چگونه اعضای هر جامعه قادر به آشکار ساختن هویت خود از طریق زبان بوده و چطور پاسخ مناسبی را در مقابل تفاوت‌های ظریف کاربردهای زبانی مرتبط با متغیرهای اجتماعی از خود نشان می‌دهند (David, Ibtisam and Kaur, 2003). هر فردی که در یک منطقه جغرافیایی واحد زندگی می‌کند، در تمامی حالات به یک نوع سخن نمی‌گوید بلکه کاربردهای خاصی از زبان، از قبیل زبان عامیانه، توسط برخی از افراد در جامعه متحمل‌تر است (Weinreich, 1953). مردمی که در یک منطقه زندگی می‌کنند و از لحاظ مقام و شأن آموزشی و اقتصادی یکسان نیستند، اغلب به صورت مختلف صحبت می‌کنند. در واقع، این تفاوت را به صورت صریح یا تلویحی به عنوان نشانه‌های عضویت در گروه‌های اجتماعی گوناگون یا جوامع زبانی در نظر گرفت (Bhatia and Ritchi, 2013). بنابراین جامعه دو یا چندزبانه، جامعه‌ای است که افراد آن با بیش از یک زبان ارتباط برقرار می‌کنند، البته در جوامع چندزبانه، لزوماً همه افراد دو یا چندزبانه نیستند (Wilkerson, 2012). چندزبانگی اجتماعی پدیده رایجی است و در مقیاس جهانی موقعیتی عادی تلقی می‌شود و نه استثنایی (Wei, 2001). بنابراین دوزبانگی پدیده کاملاً مشخصی نیست و چون افراد در جامعه به دلایل و در شرایط مختلف دوزبانه می‌شوند، به همین سبب عملاً دوزبانگی یا چندزبانگی در افراد و جوامع مختلف به یک شکل و به یک میزان نیست و همواره در بررسی‌ها و طبقه‌بندی‌ها، دوزبانگی به عنوان یک پدیده نسبی در نظر گرفته می‌شود (Weinreich and Labovand Herzog, 1968). از آنجاکه به لحاظ عوامل مختلف، تنوعات بی‌شماری وجود دارد، زبان نیز به عنوان یک پدیده اجتماعی، ثابت و بدون تنوع نیست (Kyuchukov, 2012). عواملی مانند مکان جغرافیایی، طبقه اجتماعی، جنسیت، سن، تحصیلات، موقعیت‌های ارتباطی و روابط بین فردی اقتضا می‌کند که زبان نیز در شرایط متفاوت، از تنوع و گونه‌های متفاوت برخوردار باشد (Fishman J., 1967). زبان‌شناسان اجتماعی پدیده برخورد زبانی را در جوامع مختلف مورد ارزیابی قرار داده‌اند. یکی از مهم‌ترین موضوعات بحث در این پژوهش نیز مسئله برخورد زبانی است. پدیده برخورد زبانی منجر به پیدایش مواردی چون دوزبانگی، چندزبانگی و دو زبانه‌نگی در جوامع بشری می‌شود (Poplack, 1980). دوزبانگی به دانش و کاربرد دو زبان از سوی یک گویشور یا جمعی از گویشوران اطلاق می‌شود (Bhatia and Ritchi, 2013). از سویی دیگر، رمزگردانی^۱، و رمزآمیزی^۲، دو پدیده رایج میان دوزبانه‌ها هستند که حاصل تعامل دو زبان در ذهن گویشور دوزبانه^۳ می‌باشند و سبب کاربرد دو زبان در یک واحد گفتار یا نوشتار می‌شود؛ به بیان دیگر، رمزگردانی پدیده‌ای حاصل از دوزبانگی است (Alfonzetti, 2014). وینریش اولین تعریف از رمزگردانی را این‌گونه بیان می‌کند که افراد دوزبانه

-
1. Code-switching
 2. Code-mixing
 3. Bilingual

به صورت فردی براساس تغییرات مناسب در شرایط گفتار، از زبانی به زبان دیگر رمزگردانی می کنند و بنا به تعریف گامپرز، رمزگردانی، کاربرد دو یا چند زبان در گفتاری واحد است (David and Ibtisam, 2003 and Kaur, 2003). مطابق تعریف چان (Chan, 2004) رمزگردانی زبانی با استفاده متناوب دوزبانه ها از دو زبان در سطح جمله یا در سطحی فراتر از جمله (در داخل یک پاره گفتار یا در طول یک محاوره زبانی) اطلاق می شود (Bullock and Toribio, 2009). در یک تقسیم بندی نسبتاً کلی، رمزگردانی زبانی را می توان به بین جمله ای و درون جمله ای محدود کرد (Gumperz, 1971). در رمزگردانی بین جمله ای، بندهای متفاوتی از دو زبان درگیر در رمزگردانی، به کار گرفته می شوند و هر یک از بندهای به کار گرفته شده نحو مربوط به خود را حفظ می کند؛ اما در رمزگردانی درون جمله ای، استفاده متناوب از دو یا چند زبان به سطحی پایین تر از جمله محدود می شود (Guo, 2006).

در رمزگردانی موقعیتی، تغییر زبان بیانگر تغییری است که در تعریف رویداد گفتاری، از جمله تغییر در طرفین گفتگو و تبیین آن ها از حقوق و قیدوبندهای یکدیگر رخ می دهد، مانند معلمی که با دانش آموزان خود با لهجه یا گویش محلی صحبت می کنند، اما موقع تدریس از زبان رسمی استفاده می کند (Spolsky, 1998). رمزگردانی استعاری عبارت است از تغییر زبان، به گونه ای که حاکی از تغییر در حد و حدود گفتار اصلی نباشد. در این نوع رمزگردانی طرفین گفتگو، حقوق و مقیدات خود را در عمل تغییر نمی دهند، بلکه فقط به رابطه متفاوت دیگری که بینشان است، گریز می زنند (Blomand Gumperz, 1972). همچنین زبان شناسان، رمزگردانی را از لحاظ اعتبار ساختار جمله ای آن به سه نوع فراجمله ای^۱، بینا جمله ای^۲ و درون جمله ای^۳ تقسیم می کنند (Myers-Scotton, Carol, 2002). در رابطه با رمزگردانی، باید در نظر داشت که برخی افراد بین رمزگردانی درون جمله ای و رمزآمیزی تفاوت قائل اند، در صورتی که برخی دیگر رمزآمیزی را به عنوان نام دیگر برای رمزگردانی درون جمله ای و یا همان تعاریف و ویژگی ها به کار برده اند (Muyesken, 2005) از جمله افرادی که به این تفاوت اشاره کرده اند، هامز و بلانک (Hamers and Blanc, 2000) هستند، آن ها رمزآمیزی را نوعی رمزگردانی می دانند که در آن یک عنصر از زبان "الف" در یک گفتار از زبان "ب" قرار گرفته باشد، در حالی که زبان "ب"، به طور مشخص زبان غالب باشد (Nilep and Chad, 2006).

به نظر بالوک و توربین (Bullock and Toribio, 2009) مطالعه ای عوامل مؤثر بر دوزبانه شدن افراد، رابطه ای بین دوزبانگی فردی و دوزبانگی اجتماعی را روشن تر می کند. در جوامع چندزبانه، اقلیت های زبانی مجبورند که زبان رسمی را بیاموزند؛ اما افرادی که به زبان رسمی صحبت می کنند؛ لازم نیست زبان بومی را بیاموزند. این شرایط اجتماعی، افراد اقلیت های زبانی را ملزم می کند که ناخواسته، دوزبانه بشوند. در کشور ما نیز کودکانی که زبان مادری شان فارسی است، نیازی به آموختن زبان قوم های

1. Extrasentential
2. Intersentential
3. Intrasentential

دیگر ندارد؛ در حالی که اقلیت‌های زبانی، برای تحصیل و برقراری ارتباط و تحقق بخشیدن به نیازهای اجتماعی‌شان، باید زبان فارسی را بیاموزند (Bullock, and Toribio 2009). رمزگردانی که در جوامع چندزبانه و چند فرهنگی به شکل گسترده‌ای کاربرد دارد، به واسطه تعدادی عوامل اجتماعی و زبانی تعیین می‌شود (Havardgilz, 1973). فرد دوزبانه به دلایل متعددی در طول مکالمه خود تغییر رمز می‌دهد. رمزگردانی برای دستیابی به عواملی که بر اساس آن‌ها افراد مسلط به دو زبان، واژه‌ها یا عبارات را در شرایط خاصی رمزگردانی می‌کنند، مورد مطالعه قرار می‌گیرد (Bista, 2010). فسولد (Fasveld) چند مورد از آثار اولیه در زمینه حفظ زبان یا تغییر زبان را مطرح کرده است و فیشرمن را به عنوان آغازگر چنین پژوهش‌هایی معرفی کرده است. فیشرمن (۱۹۶۷) نخستین کسی است که اصطلاح حوزه کاربرد زبان‌ها را ارائه کرد و سپس فسولد (Fasveld, 1984) این مفهوم را بسط داد و حوزه‌های کاربرد زبان را اعم از خانواده، همسایگی، دوستی، مدرسه، محیط کار، امور دولتی و امور مذهبی معرفی کرد. فیشرمن (Fishman, 1967) به مطالعه میزان پایبندی به زبان مادری در میان گروه‌های مهاجر در ایالت متحده آمریکا پرداخت. از روش تحلیل حوزه‌های بهره‌گرفت و از آن پس این روش الگوی رایجی در بررسی حفظ و تغییر زبان شد. در این شیوه از بررسی، با استفاده از پرسشنامه یا مصاحبه، از مخاطبان مختلف درباره موضوعات متفاوت در زمینه کاربرد زبان در موقعیت‌های گوناگون سؤال می‌شود و پاسخ‌های به دست آمده مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. پژوهش بعد به بررسی گل (Gal, 1979) در منطقه دوزبانه ابروات در اتریش اشاره دارد. گل در این بررسی مشاهده کرد که زبان مجاری به عنوان زبان بومی منطقه جای خود را به زبان آلمانی داده است. دورین (Dorian, 1981) در بررسی خود در منطقه دوزبانه سازرلند شرقی در اسکاتلند چنین یافت که زبان انگلیسی با حذف زبان گالی به تدریج به زبان مادری بومیان تبدیل شده است.

پژوهش لیبرسن (Liebersen, 1972) در جامعه انگلیسی-فرانسوی زبان مونترال کانادا و پژوهش فسولد (Fasveld, 1981) در منطقه دوزبانه تایوس در ایالات نیومکزیکو آمریکا مواردی از حفظ زبان را نشان می‌دهند. به گفته وارداف (Wardhaugh, 1986)، در پاراگوئه افراد وابسته به طبقات اجتماعی پایین‌تر، در تمامی انواع ارتباطات زبانی خود در محیط‌های روستایی از میان دوزبان گوارانی (زبان مادری تقریباً ۹۰ درصد جمعیت پاراگوئه ولی برخوردار از وجهه اجتماعی پایین) و اسپانیایی (زبان رسمی حکومت و ابزار آموزش و دارای وجهه اجتماعی بالا) زبان گوارانی را انتخاب می‌کنند. به بیان دیگر، آن‌ها بر حفظ زبان مادری خود پافشاری می‌کنند. مغایر با گزارش وارداف (Wardhaugh, 1986) خیا (Xia, 1992) در مطالعه خود در زمینه حفظ زبان چینی توسط چینی‌های مهاجر در آمریکا، به این نتیجه دست یافت که چینی‌های مهاجر، با بالا بردن موقعیت اجتماعی و اقتصادی خود و با به دست آوردن پست‌های مهم دولتی در آمریکا بر میزان وفاداری به زبان مادری‌شان افزوده‌اند و به هویت و زبان ملی خود می‌بالند. خیا این نتیجه را با نتیجه به دست آمده از پژوهش ون لانگ لی (Wen lang li, 1982) در آمریکا همسو می‌داند. مطالعه لی نشان داد چینی‌هایی که از جایگاه اجتماعی و

اقتصادی بالاتری برخوردارند نسبت به چینی‌های برخوردار از وضعیت اقتصادی پایین‌تر، تلاش‌های بیشتری برای حفظ زبان مادری‌شان از خود نشان می‌دهند. پارک (Park, 2007) در مطالعه خود به این نتیجه رسید که نوجوانان کره‌ای مهاجر در آمریکا زبان انگلیسی را جایگزین زبان مادری خود کرده‌اند ولی والدین آن‌ها هنوز دلبسته زبان بومی خود هستند. نتایج مطالعه مارتین (Martin, 2009) نشان می‌دهد که والدین آمریکایی عرب تبار براساس نگرش‌های مثبت نسبت به زبان بومی خود، یعنی عربی، در جهت حفظ زبان عربی، در محیط خانه تلاش‌های فراوانی از خود نشان می‌دهند. لتشولو (Letsholo, 2009) در مطالعه خود یافت که جوانان باکالانگا (Bakalanga) زبان مادری خود را کنار گذاشته‌اند و حتی با هم‌زبان‌های خود به زبان غیر مادری، یعنی ستسوانا (Setswana)، صحبت می‌کنند. تعدادی از آن‌ها هم در حضور دوستان غیربومی خود، به بیان احساسات منفی نسبت به زبان مادری خود می‌پردازند. جاگرو و ادونگو با بررسی داده‌های به‌دست‌آمده از گفتار گویشوران مرد و زن، نتایجی را در این زمینه ارائه می‌دهند. این پژوهش در کشور کنیا و در بافت آفریقایی صورت گرفته است و زبان‌های موردبررسی از نظر رمزگردانی انگلیسی، کیسواحیلی (Kiswahili)، شنگ (Sheng) (زبان عامیانه) و زبان‌های محلی بوده است. آن‌ها، با مقایسه داده‌های حاصل از پژوهش به این نتیجه رسیده‌اند که گویشوران مرد کنیایی در گروه‌های مختلط، نسبت به زنان رمزگردانی بیشتری داشته‌اند. از سه گروه مختلط، مردان در دو گروه رمزگردانی بیشتری داشته‌اند؛ اما در گروه‌های تک‌جنسیتی گروه زنان نسبت به مردان رمزگردانی بیشتری داشته‌اند (Jagero and Odongo, 2011). در مطالعه‌ای قوم‌نگاری از رفتار زبانی جمعیتی یکی از روستاهای نروژ که نسبتاً یکپارچه و مجزا و بدین ترتیب، پایدار به نظر می‌رسیدند، از سوی بلوم و گامپرز (Gumperz, 1971) انجام شد. این بررسی نشان داد که تفاوت‌هایی اساسی در ارزش‌های اجتماعی بین تک‌تک ساکنان این منطقه که در محلی مشابه به دنیا آمده‌اند و رشد یافته‌اند، وجود دارد. پاراشر (Prasher ۱۹۸۰) در سال ۱۹۸۰ به کمک پرسشنامه کاربرد زبان را در حوزه‌های مختلف میان ۳۵۰ فرد تحصیل کرده ساکن هندوستان بررسی کرد. وی از آزمودنی‌ها خواست تا در موقعیت‌های ذکر شده زبان مورد استفاده خود را مشخص کنند. نتایج نشان داد که حوزه خانواده، تنها حوزه‌ای بود که زبان مادری، زبان هندی، یا هر زبان دیگری به‌جز زبان انگلیسی در آن کاربرد داشت. علاوه بر آن در حوزه تحصیلات، کار و دولت نیز این زبان کاربرد زیادی داشت. دلیل این که زبان انگلیسی در حوزه‌های پایین‌تر مثل دوستان و همسایگی نیز کاربرد داشت. این بود که معمولاً دوزبانه‌های تحصیل کرده زبان مادری مشترکی با دوستان خود نداشتند. علاوه بر این، صحبت درباره موضوع‌های مربوط به حوزه‌های رسمی تر مثل تحصیلات، علم و تکنولوژی باعث می‌شد از زبان انگلیسی استفاده کنند (Fasveld, 1984). تحقیق دیگری توسط دیوید و همکارانش (David., Ibtisam, Kaur, 2003) در مالزی انجام شد. در این حوزه زبان غالب در کل حوزه‌ها موردبررسی قرار گرفت. این که آیا این گروه هنوز زبان قومی خود را حفظ کرده‌اند یا خیر؟ نتایج نشان داد بیش از ۷۵ درصد از آزمودنی‌ها زبان اولشان پنجابی و زبان اول ۲۱/۲ درصد آن‌ها انگلیسی بود.

گروه دوم بین ۲۵-۱۹، ۳۵-۲۶ سال سن داشتند. در جامعه سبک هم در حوزه خانواده هم در حوزه خارج از خانواده، نوعی تغییر از زبان قومی‌شان، پنجابی، به زبان انگلیسی یا آمیزه‌ای سه زبان پنجابی، زبان انگلیسی و مالی رخ داده بود. در واقع بیشتر پاسخگویان جوان آمیزه‌ای از سه زبان را به کار می‌بردند. حتی زبان غالب جوان‌ترها و مسن‌ترها در عبادتگاه‌ها متفاوت بود. جوان‌ترها بر زبان قومی خود کمتر مسلط بودند. با بالاتر رفتن سن کاربرد و میزان مهارت در زبان پنجابی بیشتر می‌شد. تمایز موجود در انتخاب زبان میان گروه‌های سنی مختلف شاهی بر تغییر زبان بود. جوان‌ترها تمایل به کاربرد زبان انگلیسی داشتند؛ و این زبان در گفتارشان که آمیزه‌ای از سه زبان به همراه کد آمیزی و کد گردانی بود، غالب شد. میزان تحصیلات نیز عامل مهمی بود. با بالا رفتن سطح تحصیلات کاربرد زبان انگلیسی افزایش می‌یافت. با وجود کاربرد زبان پنجابی در میان مسن‌ترها، تمایل زوج‌های جوان به زبان انگلیسی باعث شده بود که بقای این زبان به خطر بیفتد (David., Ibtisam, Kaur, 2003). وارداد (Wardhaugh, 2004) در پژوهشی که در سال ۲۰۰۴ انجام داده است، نمونه‌ای از گفتار یک گویشور پورتوریکویی ساکن در نیویورک را مورد بررسی قرار داده است. نتایج نشان داد که دوزبانه‌های پورتوریکویی اغلب برای نشان دادن وحدت و همبستگی تغییر رمز می‌دهند و این نوع از آمیزش دو زبان در میان پورتوریکویی‌های اهل نیویورک به‌عنوان هنجار تلقی می‌شود. هر چند گویشوران پورتوریکویی به هنگام مکالمه با دوستان و آشنایان از آمیزش دو زبان استفاده می‌کنند، در هنگام مخاطب قرار دادن یک فرد انگلیسی‌زبان تک‌زبانه حتماً به زبان انگلیسی صحبت می‌کنند. هپتور (Habtoor, 2012) در مطالعه خود چنین یافت که در بین نوجوانان تیگرینایی زبان (-Tigrinya speaking) در عربستان سعودی، استفاده از زبان مادری، به نفع زبان عربی کمتر می‌شود و در واقع با افزایش مهارت زبانی نوجوانان در زبان عربی، گرایش آن‌ها به حفظ زبان مادری کمتر می‌شود. سعادت، مهرپور و ویسی دوزبانگی و تک‌زبانگی را در بین گویشوران کُردی کلهری مورد مطالعه قرار داده‌اند؛ هدف از تحقیق انجام‌شده از سوی این افراد، مقایسه بین گویشوران تک‌زبان فارسی و گویشوران دوزبان فارسی کلهری از نظر موفقیت در فراگیری انگلیسی بود. نتایج این تحقیق نشان داد که جنسیت رابطه چندانی با دوزبانگی در مقابل تک‌زبانگی ندارد. در عوض، بیشتر دانش‌آموزان از طبقه پایین اجتماعی-اقتصادی به‌صورت دوزبانه پرورش یافته‌اند. به‌علاوه، دانش‌آموزان دوزبانه در یادگیری زبان انگلیسی از رقبای تک‌زبانه پیشی گرفتند (Saadat, Mehrpour and Weisi, 2008). نامعی (۲۰۱۲) در پژوهش خود به این نتیجه دست یافت که ایرانیان مهاجر در سوئد به‌منظور دست یافتن به همان سطح زندگی که قبل از مهاجرت از آن برخوردار بودند و نیز برای کمک به فرزندانشان در امر تحصیل و فراهم کردن شرایط مناسب زندگی برای آن‌ها، به سمت زبان اکثریت، یعنی زبان سوئدی، سوق می‌یابند و به دنبال حفظ زبان مادری خود نیستند. سلیمی وضعیت دوزبانگی زبان‌های فارسی و ترکی دانش‌آموزان دبیرستانی شهر بجنورد را مطالعه کرده است. سلیمی بیان می‌دارد که گویا نوعی تغییر زبانی در این شهر در حال وقوع است، به‌ویژه نسل جوان تمایلی به کاربرد زبان ترکی ندارند. نتیجه

حاصل این بوده است که زبان غالب در دو حوزه خانواده و مدرسه، فارسی است و کاربرد این زبان در محیط مدرسه در دختران و پسران یکسان است. در محیط خانه نیز رابطه معناداری بین جنسیت و کاربرد زبانی وجود ندارد و به‌طور کلی، در بجنورد نیز نوعی تغییر زبانی در حال روی دادن است و زبان فارسی جایگزین زبان ترکی شده است (سلیمی، ۱۳۸۸). با توجه به نتایج حاصل از تحقیقات انجام‌شده در داخل و خارج از کشور می‌توان چنین استنباط نمود که در کشورهای دو/چندزبانه‌ای که در آن‌ها تنها یک‌زبان به‌عنوان زبان رسمی نقش‌آفرینی می‌کند، دوزبانه‌هایی که زبان مادری‌شان زبان غیررسمی است ناگزیرند برای دستیابی به اهداف مختلف، زبان رسمی کشورشان را به‌عنوان زبان دوم خود یاد بگیرند. در چنین شرایطی است که امکان وقوع دو پدیده متقابل "حفظ زبان مادری" یا "تغییر زبان مادری" پیش می‌آید. به بیانی ساده‌تر، گویشوران زبان‌های اقلیت و غیررسمی بر اساس انتخاب یا عدم انتخاب زبان مادری در موقعیت‌های ارتباطی مختلف، در یک دوره زمانی بلندمدت در جهت حفظ یا تغییر زبان مادری خود گام برمی‌دارند؛ بنابراین "انتخاب زبان" عاملی تعیین‌کننده در حفظ یا تغییر زبان مادری است. کشور ایران نیز از این امر مستثنی نیست. در ایران علاوه بر جمعیت فارسی‌زبان، گروه‌های قومی دیگری نیز وجود دارند که در مکالمات داخلی خود به زبان قومی خویش صحبت می‌کنند؛ که کردزبانان یکی از این گروه‌های قومی می‌باشند که بر اثر افزایش ارتباطات و تبدیل زبان فارسی به زبان مشترک اقوام مختلف این‌گونه افراد دوزبانه یا چندزبانه هستند. از نظر چگونگی وضعیت دوزبانی اکثر این اقوام مراحل دوزبانی غیرکامل و دوزبانی تک‌سواد را پشت سر گذاشته و به‌خصوص در مورد نسل جدید به حالت دوزبانی کامل رسیده‌اند. باین‌همه دوزبانی اینان حتی بیشتر از حالت وجود همزمان فارسی استاندارد با یک گویش یا زبان محلی، جنبه دوزبانگونگی پیدا کرده است و درحالی‌که زبان مادری در حوزه‌هایی از قبیل خانه و مکالمات دوستانه با افراد متعلق به گروه‌های قومی و زبانی خود مورد استفاده قرار می‌گیرد. زبان فارسی نیز در حوزه‌هایی از قبیل موقعیت‌های اداری و آموزشی به‌کار می‌رود. علاوه بر مینا قرار دادن نظریه دو زبانگونگی بسط یافته فیثمن، برای نظم‌بخشی به داده‌های تحقیق از تحلیل حوزه‌ای وی نیز سود برده‌ایم. همچنین باید توجه داشت که در اغلب موارد تغییر زبان‌ها، این زبان گروه کوچک‌تر است که جای خود را به زبان گروه بزرگ‌تر می‌دهد. البته فسولد خاطر نشان می‌سازد که جوامع زبانی را می‌توان یافت که با وجود عوامل یاد شده، زبان خود را حفظ کرده‌اند (Fasveld, 1984). مسئله مهمی که در ذهن محققین این مطالعه مطرح شد آن است که برخی از والدین دوزبانه دست‌کم بر اساس مشاهدات شخصی نگارندگان این سطور گرایش به آموزش زبان فارسی به فرزندان خود در محیط خانه دارند که این را می‌توان از نشانه‌های تغییر زبان مادری فرزندان یاد شده دانست. لذا زبانی که در حوزه خانواده به‌کار نمی‌رود در مقایسه با زبانی که در حوزه خانواده کاربرد دارد از شانس کمتری برای بقا برخوردار است. همچنین نگرش‌های منفی در میان گویشوران کردی کلهری نسبت به زبان مادری‌شان از یک‌سو و تلاش آن‌ها در جهت دوری جستن از سوی دیگر و در نتیجه، زوال تدریجی این دسته از زبان‌ها می‌شود. لذا این

مطالعه پوششی در ارزیابی حیات و پویایی زبان کلهری است. از این رو هر اقدامی که بتواند موجب نگرش مثبت افراد یک جامعه زبانی شود ارزشمند است. همچنین با توجه به این امر مهم که خصیصه‌های جمعیت‌شناختی و همچنین نگرش افراد نسبت به زبان مادری‌شان، در زمینه رمزگردانی بسیار حائز اهمیت به نظر می‌رسند و در مطالعات صورت گرفته به این مقوله کمتر پرداخته شده، از این رو بررسی نحوه تأثیرگذاری هر یک از خصیصه‌ها می‌تواند به شناسایی عوامل مؤثر بر میزان رمزگردانی در بین گویشوران کردی کلهری و فارسی کمک کند. از جمله فواید این پژوهش می‌توان به این موارد اشاره کرد: آشنا ساختن گویشوران با واقعیت‌های موجود و آگاهی دادن در مورد پیامدها و عواقب ادامه یافتن روند موجود، تهیه اطلاعات برای مسئولین و دست‌اندرکاران امور فرهنگی منطقه و ترغیب آن‌ها برای تلاش در جهت حفظ و بقای این زبان، به‌کارگیری اطلاعات فراهم آمده برای هرگونه برنامه‌ریزی در جهت تغییر وضع موجود، ایجاد زمینه و انگیزه لازم برای پژوهشگران اجتماعی جهت روی آوردن به مطالعه اجتماعی زبان کلهری، ترغیب زبان‌شناسان در جهت مطالعه ساختار و واژگان این زبان و ثبت و ضبط واژه‌ها، اصطلاحات و ویژگی‌های منحصر به فرد این زبان که در صورت نابودی آن ممکن است برای همیشه از دست برود. همچنین نتایج این مطالعه می‌تواند به کارآمدتر کردن روش‌های تدریس معلمان در کلاس‌های دوزبانه کمک نماید و سیاست‌گذاران و طراحان آموزشی را در جهت‌دهی و توسعه سیاست‌های آموزشی در جهت حفظ و تقویت زبان‌های محلی کشور که بی‌تردید بخشی از سرمایه‌های ملی محسوب می‌شود یاری رساند. در این تحقیق با استفاده از دیدگاه فسولد (Fasveld, 1984) و پاراشر (۱۹۸۰)، پدیده دوزبانگونی را در دو حوزه غیررسمی (خانواده‌دوستی و همسایگی) و حوزه رسمی (اداری و آموزشی) با در نظر گرفتن تأثیر عوامل جنس، سطح تحصیلات را بر کاربرد دو زبان فارسی و کلهری در بین دانش‌آموزان شهرستان سرپل‌ذهاب مورد بررسی قرار خواهیم داد.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نظر روش گردآوری داده‌ها جزء پژوهش‌های توصیفی و از نوع همبستگی است؛ و براساس ماهیت جزء پژوهش‌های کاربردی محسوب می‌شود. جامعه آماری شامل کل دانش‌آموزان مقطع متوسطه دوم پایه اول و دوم و پیش‌دانشگاهی شهرستان سرپل‌ذهاب در سال تحصیلی ۹۷-۱۳۹۶ است. با توجه به این که حجم کل جامعه آماری ۳۸۹۶ نفر بود؛ با استفاده از جدول مورگان ۴۰۰ نفر (۲۰۰ دختر؛ ۲۰۰ پسر) در مقطع اول، دوم و سطح پیش‌دانشگاهی در بین دانش‌آموزان پسر و دختر به‌عنوان حجم نمونه در نظر گرفته شد. از شیوه نمونه‌ای طبقه‌ای نسبتی بر حسب جنسیت استفاده شده است. لازم به توضیح است خود محقق مشغول به تدریس در این پایه‌های تحصیلی است. در انتخاب این دانش‌آموزان مبنای بر این قرار گرفت که حداقل یکی از والدین این دانش‌آموزان کردزبان باشد. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه الگوی پژوهشی پاراشر (۱۹۸۰) بود. در این مطالعه، پرسشنامه‌ای براساس الگوی پژوهشی پاراشر (۱۹۸۰) با در نظر گرفتن گروه سنی

پرسش‌شوندگان تنظیم شد و از آزمودنی‌ها خواسته شد تا در موقعیت‌های ذکر شده زبان مورد استفاده خود را در پنج حوزه خانواده، دوستی، همسایگی، مدرسه و ادارات، مشخص کنند که به ترتیب از غیررسمی به رسمی طبقه‌بندی شده‌اند. در بررسی عملکرد حوزه‌ها در استفاده از زبان، سؤالاتی در هریک از زیر حوزه‌ها مطرح شد. پس از نظرخواهی از افراد از طریق پرسشنامه، تجزیه و تحلیل زبانی پاسخ سؤالات در هریک از حوزه‌ها و زیر حوزه‌ها انجام گرفت تا وضع جامعه‌های مورد آزمون در هر یک از زبان‌های مورد تحقیق مشخص شده و در نهایت وضعیت زبانی کل حوزه‌ها روشن گردد. این روش بررسی، به تحلیل حوزه‌های زبان معروف است. سؤالات در ۵ حوزه مورد اشاره با پاسخ‌های سه‌گزینه‌ای، شامل گویش کلهری، زبان فارسی و هر دو بود. گزینه هردو نشان می‌دهد که پرسش‌شونده‌ها از هردو زبان فارسی و کلهری در مکالمات آن حوزه، با مخاطبانشان استفاده می‌کنند. جهت بررسی روایی آزمون پاراشر از نظر ۵ نفر از دبیران زبان انگلیسی دوره متوسطه دوم استفاده شد؛ که پس از مطالعه و بررسی آزمون روایی صوری آزمون مورد تأیید قرار گرفت. ضریب اعتبار کل پرسشنامه الگوی پژوهشی پاراشر با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۸۱ است که حاکی از پایایی مناسب این ابزار است.

یافته‌ها پژوهش

کاربرد زبان در پنج حوزه

قبل از بررسی هر یک از حوزه‌های پنج‌گانه باید به مفاهیم مرتبط که در منابع مختلف بدان اشاره شده است، بپردازیم.

کاربرد زبان در حوزه خانواده

حوزه خانواده به‌عنوان حوزه خصوصی، مهم‌ترین پایگاه زبان محسوب می‌شود که در همه پژوهش‌های مربوط به زبان، مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌گیرد. تغییرات زبانی خانواده، در سایر حوزه‌ها تأثیر می‌گذارد. زمانی که زبان در عرصه رقابت‌های زبانی حذف شود، حوزه خانواده باید به‌عنوان اصلی‌ترین پایگاه به وظایف خود عمل کند؛ در غیر این صورت، زبان قادر به ادامه حیات نخواهد بود و می‌میرد (Fasveld: ۱۹۸۴). نتایج حاصل از اجرای پرسشنامه در حوزه خانواده به تفکیک پایه تحصیلی و جنسیت در جدول ۱ آمده است.

جدول (۱): کاربرد زبان در حوزه خانواده به تفکیک پایه تحصیلی و جنسی

مخاطبان	پسرانه		دخترانه		مجموع	
	کلهری	فارسی	هر دو	کلهری	فارسی	هر دو
پدربزرگ و مادربزرگ	۱۳	۴۹	۱۱	۵	۵۹	۹
والدین	۱۱	۴۸	۱۳	۱	۶۵	۵
برادران و خواهران	۶	۵۸	۸	۱	۶۸	۲

۱۷	۱۱۸	۷	۷	۶۴	۱	۱۰	۵۴	۶	بستگان
۶۵	۴۶۵	۴۴	۲۳	۲۵۶	۸	۴۲	۲۰۹	۳۶	مجموع
۲۴	۱۰۱	۲۰	۱۰	۵۶	۵	۱۴	۴۵	۱۵	پدربزرگ و مادربزرگ
۲۱	۱۰۷	۱۶	۸	۶۰	۵	۱۳	۴۷	۱۱	والدین
۱۹	۱۰۸	۱۳	۸	۶۵	۶	۱۱	۴۳	۷	برادران و خواهران
۲۰	۱۰۸	۱۱	۷	۶۵	۴	۱۳	۴۳	۷	بستگان
۸۴	۴۲۴	۶۰	۳۳	۲۴۶	۲۰	۵۱	۱۷۸	۴۰	مجموع
۶۲	۲۹۸	۵۶	۲۴	۱۶۰	۱۹	۳۸	۱۳۸	۳۷	پدربزرگ و مادربزرگ
۶۶	۳۰۴	۳۷	۲۴	۱۶۳	۱۰	۴۲	۱۴۱	۲۷	والدین
۴۳	۳۵۱	۳۰	۱۶	۱۹۰	۸	۲۷	۱۶۱	۲۲	برادران و خواهران
۲۵	۵۵	۱۹	۱۴	۴۷	۵	۱۱	۸	۱۴	بستگان
۱۹۶	۱۰۰۸	۱۴۲	۷۸	۵۶۰	۴۲	۱۱۸	۴۴۸	۱۰۰	مجموع
۱۰۶	۵۰۷	۹۴	۴۳	۲۷۵	۲۹	۶۳	۲۳۲	۶۵	پدربزرگ و مادربزرگ
۱۰۵	۳۹۴	۶۵	۳۷	۲۸۸	۱۶	۶۸	۱۰۶	۴۹	والدین
۷۲	۵۸۵	۵۰	۲۶	۳۲۳	۱۵	۴۶	۲۶۲	۳۵	برادران و خواهران
۶۲	۲۸۱	۳۷	۲۸	۱۷۶	۱۰	۳۴	۱۰۵	۲۷	بستگان
۳۴۵	۱۷۶۷	۲۴۶	۱۳۴	۱۰۶۲	۷۰	۲۱۱	۷۰۵	۱۷۶	مجموع

نتیجه جدول ۱ در کل جامعه مورد آزمون نشان داده شده است. همان‌طور که در جدول مشاهده می‌شود. بیش از ۷۰ درصد پاسخ‌دهنده‌ها در حوزه خانواده با مخاطبان خود به زبان فارسی صحبت می‌کنند. حدود ۷۲ درصد از آن‌ها با اجداد خود به زبان کلهری سخن می‌گویند و در گفتگو با بچه‌های خانواده، این میزان افزایش یافته به ۸۵ درصد می‌رسد که نشان‌دهنده تغییر زبانی بین نسل‌ها است. ۱۲ درصد از پاسخ‌دهنده‌ها با اجداد خود به گویش فارسی صحبت می‌کنند که این میزان وقتی مخاطب از نسل جوان‌تر باشد به ۵ درصد می‌رسد. مخاطبانی که به هر دو زبان سخن می‌گویند نسبت به کسانی که فقط از کلهری استفاده می‌کنند بیشتر هستند. این میزان وقتی پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها و والدین مخاطب باشند، ۱۶ درصد و وقتی خواهران و برادران مخاطب باشند، حدود ۹ درصد است و در مواجهه با بستگان پدر و مادری به ۱۵ درصد می‌رسد. به‌طور کلی، تغییر زبان در بین نسل‌ها بسیار مشهود است و این نشان می‌دهد که در جامعه مورد بررسی (دانش‌آموزان دختر و پسر) طی دو نسل در حوزه خانواده؛ یعنی از پدربزرگ و مادربزرگ به نوه‌ها میزان کاربرد گویش کلهری

کمتر می‌شود. با توجه به جدول ۱ میزان کاربرد اندک کلهری حتی وقتی مخاطبان از نسل گذشته هستند، نشان‌دهنده آن است که زبان فارسی در حوزه خانواده که خصوصی‌ترین حوزه به حساب می‌آید، جانشین گویش کلهری شده است.

کاربرد زبان در حوزه مدرسه

جدول ۲ کاربرد زبان در حوزه آموزش یا مدرسه را به تفکیک پایه تحصیلی و جنسیت نشان می‌دهد. همان‌گونه که از جدول ۲ مشاهده می‌شود، در محیط آموزشی و کاملاً رسمی با مخاطب رسمی غالباً زبان رسمی فارسی کاربرد دارد و از گویش کلهری استفاده نمی‌شود؛ به طوری که ۹۶ درصد از پاسخ‌دهنده‌ها در کلاس با معلمان خود به فارسی صحبت می‌کنند و ۳ درصد از هر دو زبان فارسی و کلهری استفاده می‌نمایند که ممکن است این امر به دلایل آموزشی و برقراری ارتباط بهتر از سوی معلمان و دانش‌آموزان باشد. در یک محیط غیررسمی (مانند خارج از کلاس درس) و با مخاطب رسمی (معلم) به کارگیری گویش کلهری به ۱ درصد می‌رسد. این امر نشان‌دهنده آن است که در محیط رسمی مدرسه و با معلم که مخاطب رسمی است، کلهری کاربرد چندانی ندارد. در حالی که در محیط رسمی (مانند کلاس درس) با مخاطب غیررسمی (مانند دوستان و هم‌کلاسی‌ها) یا با مخاطب در محیط غیررسمی (مانند هم‌کلاسی‌ها خارج از کلاس درس)، استفاده از کلهری تا حدی بیشتر می‌شود و به ۵ درصد می‌رسد (به کارگیری هر دو زبان فارسی و کلهری به تناسب، بیشتر از به کارگیری کلهری در محیط مدرسه و با مخاطبان غیررسمی است. این مقدار در حوزه آموزشی به طور متوسط ۲۱ درصد است که نشان‌دهنده کاربرد بیشتر آن از کلهری در محیط غیررسمی است.

جدول (۳): کاربرد زبان در حوزه مدرسه به تفکیک پایه تحصیلی و جنسیت

مخاطبان	پسرانه		دخترانه		مجموع		
	کلهری	فارسی	کلهری	فارسی	کلهری	فارسی	
مخاطبان رسمی	با معلم در کلاس درس	۰	۸۰	۰	۷۲	۱۵۲	۶
	با معلم خارج از کلاس	۳	۶۹	۲	۷۱	۱۴۰	۶
	با دوستان در کلاس	۸	۴۹	۶	۶۹	۱۱۸	۲۷
	با دوستان خارج از کلاس	۷	۴۸	۱۱	۶۳	۱۱۱	۳۳
	مجموع	۱۸	۲۴۶	۲۱	۲۷۵	۵۲۱	۷۲
مخاطبان غیررسمی	با معلم در کلاس درس	۲	۶۸	۰	۷۵	۱۴۳	۵
	با معلم خارج از کلاس	۲	۶۵	۲	۷۶	۱۴۱	۶

۳۲	۱۱۵	۸	۷	۶۸	۲	۲۵	۴۷	۶	با دوستان در کلاس	
۳۳	۱۱۲	۷	۱۲	۶۳	۱	۲۱	۴۹	۶	با دوستان خارج از کلاس	
۷۶	۵۱۱	۲۲	۲۱	۲۸۲	۶	۵۵	۲۲۹	۱۶	مجموع	
۱۰	۱۲۰	۰	۵	۶۲	۰	۵	۵۸	۰	با معلم در کلاس درس	دوره پیش‌دانشگاهی
۳۶	۹۱	۶	۱۰	۵۷	۰	۲۶	۳۴	۶	با معلم خارج از کلاس	
۳۳	۹۱	۸	۸	۵۶	۲	۲۵	۳۵	۶	با دوستان در کلاس	
۳۷	۸۸	۷	۱۰	۵۵	۱	۲۷	۳۳	۶	با دوستان خارج از کلاس	
۱۱۶	۳۹۰	۲۱	۳۳	۲۳۰	۳	۸۳	۱۶۰	۱۸	مجموع	
۲۱	۴۱۵	۳	۷	۲۰۹	۱	۱۴	۲۰۶	۲	با معلم در کلاس درس	دوره دبیرستان
۴۸	۳۷۲	۱۳	۱۴	۲۰۴	۲	۳۴	۱۶۸	۱۱	با معلم خارج از کلاس	
۹۲	۳۲۴	۲۶	۲۱	۱۹۳	۶	۷۱	۱۳۱	۲۰	با دوستان در کلاس	
۱۰۳	۳۱۱	۲۵	۳۳	۱۸۱	۶	۷۰	۱۳۰	۱۹	با دوستان خارج از کلاس	
۲۶۴	۱۴۲۲	۶۷	۷۵	۷۸۷	۱۵	۱۸۹	۶۳۵	۵۲	مجموع	

کاربرد زبان در حوزه دوستی

جدول ۴ کاربرد زبان در حوزه غیررسمی دوستی را به تفکیک پایه تحصیلی و جنسیت مورد مطالعه قرار می‌دهد و همان‌طوری که در جدول ۴ دیده می‌شود در مواجهه با مخاطبان همسال خود در موقعیت‌های گوناگون رسمی و غیررسمی مانند مدرسه، خیابان و جشن‌های خانوادگی عمدتاً (به‌طور متوسط ۸۳ درصد) از زبان فارسی استفاده می‌کنند و فقط ۱۴ درصد از پرسش‌شوندگان در استفاده از گویش کلهری احساس همدلی بیشتری با دوستانشان دارند و ۲۲ درصد به هر دو زبان فارسی و کلهری با دوستان و همسالانشان حس همدلی دارند. این در حالی است که فقط ۵ درصد به گویش کلهری و ۱۸ درصد در مواجهه با دوستان، چه در خیابان و چه در اجتماعات خانوادگی به هر دو زبان فارسی و کلهری صحبت می‌کنند. نمودار کاربرد زبان را در حوزه دوستی به تفکیک پایه تحصیلی و جنسیت نشان می‌دهد.

جدول (۴): کاربرد زبان در حوزه دوستی به تفکیک پایه تحصیلی و جنسیت

پایه	مخاطبان و مکان	پسرانه			دخترانه			مجموع		
		کلهری	فارسی	هردو	کلهری	فارسی	هردو	کلهری	فارسی	
پایه اول	همدلی با دوستان	۱۸	۳۷	۲۱	۵	۵۷	۱۴	۲۳	۹۴	۳۵
	با دوستان نزدیک در مدرسه	۵	۴۵	۲۵	۳	۶۴	۹	۸	۱۰۹	۳۴
	با دوستان نزدیک در خیابان	۱۱	۴۵	۲۰	۱	۶۸	۷	۱۲	۱۱۳	۲۷
	با دوستان نزدیک در جشن‌ها	۸	۵۶	۱۲	۱	۶۹	۶	۹	۱۲۵	۱۸
	مجموع	۴۲	۱۸۳	۷۸	۱۰	۲۵۸	۳۶	۵۲	۴۴۱	۱۱۴
	همدلی با دوستان	۱۲	۴۴	۲۰	۶	۵۵	۱۶	۱۸	۹۹	۳۶
	با دوستان نزدیک در مدرسه	۲	۵۱	۲۳	۴	۶۲	۱۰	۶	۱۱۳	۳۳
	با دوستان نزدیک در خیابان	۸	۴۹	۲۰	۱	۷۰	۶	۹	۱۱۹	۲۶
	با دوستان نزدیک در جشن‌ها	۶	۵۷	۱۲	۱	۶۶	۵	۷	۱۲۳	۱۷
	مجموع	۲۸	۲۰۱	۷۵	۱۲	۲۵۳	۳۷	۴۰	۴۵۴	۱۱۲
پایه دوم	همدلی با دوستان	۱۶	۳۵	۱۶	۸	۴۷	۱۰	۲۴	۸۲	۲۶
	با دوستان نزدیک در مدرسه	۴	۴۰	۲۲	۳	۵۲	۱۰	۷	۹۲	۳۲
	با دوستان نزدیک در خیابان	۷	۴۱	۱۸	۱	۶۰	۶	۸	۱۰۱	۲۴

مجموع ۱۰۰ ۶۳۹ ۱۳۰ ۴۰ ۷۷۲ ۶۷ ۱۴۰ ۱۴۱۱ ۱۹۷

کاربرد زبان در حوزه همسایگی

نتایج نظرخواهی از پرسش‌شونده‌ها در مورد استفاده از زبان در حوزه همسایگی، به تفکیک پایه تحصیلی و جنسیت، در جدول ۶ آمده است. درصد استفاده از گویش کلهری با همسایگان نزدیک (۹ درصد)، مغازه‌داران کردزبان (۱۰ درصد) و افراد ناآشنا در محله (۶ درصد) می‌رسد. کمتر از ۲ درصد افراد با مخاطبان خود (مغازه‌داران غیر کلهر در همسایگی) به زبانی صحبت می‌کنند که مخاطبان، آن زبان را متوجه نمی‌شوند. در حوزه همسایگی نیز مانند دیگر حوزه‌ها نسبت کسانی که با مخاطبان خود به هر دو زبان صحبت می‌کنند بیشتر از کسانی است که فقط از کلهری استفاده می‌کنند. در مجموع اگرچه در حوزه همسایگی بیشترین مقدار به کارگیری گویش کردی کلهری وجود دارد، این مقدار در مقابل کاربرد زبان فارسی (یعنی کاربرد ۹۰ درصدی زبان فارسی) در این حوزه بسیار ناچیز است.

کاربرد زبان در حوزه اداری

نتایج نظرخواهی از پرسش‌شونده‌ها در مورد استفاده از زبان در حوزه اداری به تفکیک پایه تحصیلی و جنسیت در جدول ۷ آمده است. با توجه به جدول این حوزه، کاربرد زبان در حوزه ادارات که یک حوزه رسمی است، چه به‌طور مجزا و چه همراه با زبان فارسی، کمتر از دیگر حوزه‌هاست. مقدار به‌کارگیری زبان رسمی یا فارسی در هر سه موقعیت ادارات محل، شهرستان و استان بیش از ۹۱ درصد است؛ بنابراین هرچه از حوزه‌های غیررسمی دورتر می‌شویم و به مکان‌های عمومی‌تر و رسمی‌تر می‌رویم، استفاده از گویش کلهری کاهش می‌یابد (حداقل ۳ درصد و حداکثر ۴ درصد) و برعکس استفاده از زبان فارسی و رسمی افزایش می‌یابد.

جدول (۸): کاربرد زبان در حوزه اداری به تفکیک پایه تحصیلی و جنسیت

مخاطب و مکان	پسرانه		دخترانه		مجموع	
	کلهری	فارسی	کلهری	فارسی	کلهری	فارسی
سازمان‌ها ادارات محل	۲	۶۶	۲	۷۰	۴	۱۳۶
سازمان‌ها و ادارات شهرستان	۴	۶۸	۴	۶۶	۸	۱۳۴
سازمان‌ها و ادارات استان	۴	۶۸	۱	۶۸	۵	۱۳۶
مجموع	۱۰	۲۰۲	۷	۲۰۴	۱۴	۴۰۶
سازمان‌ها و ادارات محل	۴	۶۷	۲	۷۱	۳	۱۳۸
سازمان‌ها و ادارات شهرستان	۴	۶۷	۱	۷۲	۳	۱۳۹
سازمان‌ها و ادارات استان	۴	۶۷	۲	۶۷	۵	۱۳۴
مجموع	۱۲	۲۰۱	۵	۲۱۰	۱۱	۴۱۱
سازمان‌ها و ادارات محل	۴	۵۴	۳	۵۸	۳	۱۱۲
سازمان‌ها و ادارات شهرستان	۳	۵۸	۳	۵۷	۶	۱۱۵

۱۱	۱۱۶	۵	۶	۵۷	۳	۵	۵۹	۲	سازمان‌ها و ادارات استان
۳۳	۳۴۳	۱۸	۱۵	۱۷۲	۹	۱۸	۱۷۱	۹	مجموع

آزمون حوزه‌های پنج‌گانه

بررسی داده‌های به‌دست‌آمده حاکی از آن است که میانگین کاربرد کلهری برابر ۴/۰۵ بوده است درحالی‌که میانگین کاربرد زبان فارسی ۱۵/۳۵ گزارش شده است (جدول ۸).

جدول (۸): مقایسه میانگین کاربرد زبان فارسی با کردی کلهری در حوزه خانواده

آزمون آماری		خطای انحراف میانگین	میانگین	تعداد	کاربرد زبان
p	t				
۰/۰۰	-۲۶/۲۸	۴/۰۲	۴/۰۵	۴۰۰	کلهری
		۳/۸۷	۱۵/۳۵	۴۰۰	فارسی

با توجه به نتایج آزمون t دونمونه وابسته در جدول ۸، فرض برابری میانگین‌ها بین کاربرد زبان فارسی با کلهری در حوزه خانواده با توجه به p مقدار به‌دست‌آمده ($p=0/00$) با اطمینان ۹۵ درصد رد می‌شود؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت کاربرد زبان فارسی در حوزه خانواده به‌طور محسوسی از زبان کردی کلهری بیشتر است.

بررسی داده‌های به‌دست‌آمده حاکی از آن است که میانگین کاربرد فارسی برابر با ۱۰/۲۹ بوده است درحالی‌که میانگین کاربرد زبان کردی کلهری ۸/۳۶ گزارش شده است (جدول ۹).

جدول (۹): مقایسه میانگین کاربرد زبان فارسی با کردی کلهری در حوزه مدرسه

آزمون آماری		خطای انحراف میانگین	میانگین	تعداد	کاربرد زبان
p	t				
۰/۰۱	۲۷/۲۸	۳/۸۳	۱۰/۲۹	۴۰۰	فارسی
		۲/۵۶	۸/۳۶	۴۰۰	کردی کلهری

با توجه به نتایج آزمون t دو نمونه وابسته در جدول ۹، فرض برابری میانگین‌ها بین کاربرد زبان فارسی با کلهری در حوزه مدرسه با توجه به p مقدار به‌دست‌آمده ($p=0/01$) با اطمینان ۹۵ درصد تأیید می‌شود؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت کاربرد زبان فارسی در حوزه مدرسه به‌طور محسوسی از زبان کردی کلهری بیشتر است.

بررسی داده‌های به‌دست‌آمده حاکی از آن است که میانگین کاربرد کلهری برابر ۵/۰۵ بوده است درحالی‌که میانگین کاربرد زبان کردی فارسی ۱۶/۳۹ گزارش شده است (جدول ۱۰).

جدول (۱۰): مقایسه میانگین کاربرد زبان فارسی با کردی کلهری در حوزه دوستی

آزمون آماری		خطای انحراف میانگین	میانگین	تعداد	کاربرد زبان
p	t				
۰/۰۰	-۱۹/۲۸	۴/۰۸	۵/۰۵	۴۰۰	کلهری
		۳/۹۴	۱۶/۳۹	۴۰۰	فارسی

با توجه به نتایج آزمون t دو نمونه وابسته در جدول ۱۱، فرض برابری میانگین‌ها بین کاربرد زبان فارسی با کلهری در حوزه دوستی با توجه به p مقدار به دست آمده ($p=۰/۰۰$) با اطمینان ۹۵ درصد رد می‌شود؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت کاربرد زبان فارسی در حوزه دوستی به طور محسوسی از زبان کلهری بیشتر است. این حوزه هم جز موارد غیررسمی است که فارسی دارای کاربرد بالایی است. بررسی داده‌های به دست آمده حاکی از آن است که میانگین کاربرد کلهری برابر با ۳/۷ بوده است. در حالی که میانگین کاربرد زبان فارسی ۳/۵۱ گزارش شده است (جدول ۱۱).

جدول (۱۱): مقایسه میانگین کاربرد زبان فارسی با کردی کلهری در حوزه همسایگی

آزمون آماری		خطای انحراف میانگین	میانگین	تعداد	کاربرد زبان
p	t				
۰/۰۰	-۲۹/۲۸	۰/۱۶	۳/۷	۴۰۰	کلهری
		۰/۱۵	۳/۵۱	۴۰۰	فارسی

با توجه به نتایج آزمون t دو نمونه وابسته در جدول ۱۱، فرض برابری میانگین‌ها بین کاربرد زبان فارسی با کلهری در حوزه دوستی با توجه به p مقدار به دست آمده ($p=۰/۰۰$) با اطمینان ۹۵ درصد رد می‌شود؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت کاربرد زبان فارسی در حوزه همسایگی به طور محسوسی از زبان کلهری بیشتر است.

بررسی داده‌های به دست آمده حاکی از آن است که میانگین کاربرد فارسی برابر با ۱۱/۲۶ بوده است در حالی که میانگین کاربرد زبان کردی کلهری ۸/۳۹ گزارش شده است (جدول ۱۲).

جدول (۱۲): مقایسه میانگین کاربرد زبان فارسی با کردی کلهری در حوزه اداری

آزمون آماری		خطای انحراف میانگین	میانگین	تعداد	کاربرد زبان
p	t				
۰/۰۱	۱۷/۳۱	۳/۸۸	۱۱/۲۶	۴۰۰	فارسی
		۲/۵۹	۸/۳۹	۴۰۰	کردی کلهری

با توجه به نتایج آزمون t دو نمونه وابسته در جدول ۱۳، فرض برابری میانگین‌ها بین کاربرد زبان فارسی با کلهری در حوزه دوستی با توجه به p مقدار به دست آمده ($p=۰/۰۱$) با اطمینان ۹۵ درصد

تائید می‌شود. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت کاربرد زبان فارسی در حوزه اداری به‌طور محسوسی از زبان کردی کلهری بیشتر است.

مقایسه میانگین کاربرد دو زبان در سطوح مختلف تحصیلی

جدول (۱۳): تحلیل واریانس تأثیر سطوح تحصیلی بر کاربرد زبان فارسی و کلهری در حوزه‌های اجتماعی

متغیرها	منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F مقدار	سطح معناداری
فارسی	واریانس بین گروهی	۱۲۴۶۳/۷۱۳	۷	۱۷۸۰/۵۳۰	۴/۲۰۹	۰/۰۰۰
	واریانس درون گروهی	۱۶۵۸۴۷/۱۸۴	۳۹۲	۴۲۳/۰۸۰		
	کل	۱۷۸۳۱۰/۸۹۸	۳۹۹	-		
کلهری	واریانس بین گروهی	۱۱۴۷۵/۷۱۳	۷	۱۶۳۹/۳۸۸	۴/۱۵۶	۰/۰۰۰
	واریانس درون گروهی	۱۵۴۶۴۲/۹۹۷	۳۹۲	۳۹۴/۴۹۷		
	کل	۱۶۶۱۱۸/۷۱۰	۳۹۹	-		

با توجه به نتایج به‌دست‌آمده در جدول ۱۳، فرض برابری میانگین‌های کاربرد زبان فارسی در تمام سطوح مختلف تحصیلی در حوزه‌های اجتماعی با توجه به مقدار آزمون F برابر با ۴/۲۰۹ و p -مقدار به‌دست‌آمده ($p=۰/۰۰۰$) نشان می‌دهد در مورد زبان کلهری نیز فرض برابری میانگین‌های کاربرد زبان کلهری در تمام سطوح مختلف تحصیلی در حوزه‌های اجتماعی با توجه به مقدار آزمون F که برابر ۴/۱۵۶ است و همچنین سطح معناداری ($p=۰/۰۰۰$) می‌توان گفت که افراد دارای سطح تحصیلات پیش‌دانشگاهی در حوزه‌های اجتماعی بیش از بقیه و افراد پایه اول کمتر از دیگر سطوح تحصیلی از زبان فارسی استفاده می‌کنند. همچنین افراد پایه اول بیشتر از دیگر گروه‌ها و افراد دارای سطح تحصیلات پیش‌دانشگاهی کمتر از بقیه گروه‌های تحصیلی از زبان کلهری استفاده می‌نمایند.

مقایسه میانگین کاربرد زبان فارسی و کلهری از طرف دو گروه جنسیتی

جدول (۱۴): مقایسه میانگین کاربرد زبان فارسی و کلهری در دو گروه جنسی در حوزه‌های اجتماعی

کاربرد زبان	جنسیت	میانگین	انحراف معیار	خطای انحراف میانگین	آزمون آماری
					t P
فارسی	دختر	۳۵/۴۸	۲۰/۳۰۴	۱/۴۶	۳/۲۲ ۰/۰۰۱

		۱/۵۳	۲۱/۴۵۹	۲۸/۷۵	پسر	
		۱/۴۳	۱۹/۹۰۷	۷۶/۱۰	دختر	
۰/۰۰۲	۳/۱۸۲	۱/۴۵	۲۰/۴۳۶	۸۲/۵۲	پسر	کلهری

با توجه به نتایج آزمون t دو نمونه مستقل در جدول ۱۵، فرض برابری میانگین‌ها بین کاربران زبان فارسی در دو گروه جنسی در حوزه‌های اجتماعی با توجه به P مقدر به دست آمده است ($P = 0/001$) با اطمینان ۹۵ درصد می‌شود رد می‌شود. در زبان کلهری نیز فرض برابری میانگین‌ها بین کاربران زبان کلهری در دو گروه جنسی با توجه به مقدار به دست آمده ($P = 0/002$) با اطمینان ۹۵ درصد رد می‌شود؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که در حوزه‌های اجتماعی کاربرد زبان فارسی بین دختران بیشتر از پسران است و پسران نیز بیشتر از دختران به استفاده از زبان کلهری تمایل دارند.

بحث و نتیجه‌گیری

مطالعه حاضر با هدف بررسی جامعه‌شناسی پدیده رمزگردانی دوزبانه‌های کردی فارسی صورت پذیرفت. این مطالعه پوششی در ارزیابی حیات و پویایی زبان کلهری است. از آنجاکه نتیجه حرکات جمعی و طولانی مدت افراد جامعه زبانی در انتخاب و کاربرد زبان است، جنین کاربردی در درجه اول متأثر از نگرش‌های گویشوران آن زبان است. از این رو هر اقدامی که بتواند موجب نگرش مثبت افراد یک جامعه زبانی شود ارزشمند است. در این مقاله استفاده از دوزبانگی در حوزه‌ها به همراه زیرگروه‌های هر حوزه مورد بحث قرار گرفت و نتایج این تحقیق نشان می‌دهد استفاده از گویش فارسی در حوزه خانواده، دوستان و همسایگان، مکان‌های اداری و مدرسه بیشتر از زبان کلهری است. به‌طور کلی درصد کسانی که در کلیه حوزه‌ها، از هر دو زبان کلهری و فارسی استفاده می‌کنند در مقایسه با کسانی که فقط کلهری صحبت می‌کنند بسیار ناچیز است؛ اما میزان گویش فارسی کلهری زبانان در مدرسه به نسبت خانه و همسایگان و دوستان افزایش یافته است. و دلیل آن این مسئله است که فرد دوزبانه به دلایل متعددی در طول مکالمه خود تغییر رمز می‌دهد. رمزگردانی برای دستیابی به عواملی که بر اساس آن‌ها افراد مسلط به دو زبان، واژه‌ها یا عبارات را در شرایط خاصی رمزگردانی می‌کنند (Bista, 2010)؛ و دلیل دیگر کاربرد زبان رسمی نسبت به زبان محلی در مدرسه این است که اقلیت‌های زبانی، برای تحصیل و برقراری ارتباط و تحقق بخشیدن به نیازهای اجتماعی‌شان، باید زبان رسمی را بیاموزند. همچنین آن‌ها عامل انطباق را به اندازه عامل پرستیژ بر روی رمزگردانی تأثیرگذار دانستند (Bullock and Toribio, 2009). لتشولو (Letsholo, 2009) در مطالعه خود یافت که جوانان باکالانگا (Bakalanga) زبان مادری خود را کنار گذاشته‌اند و حتی با هم‌زبان‌های خود به زبان غیر مادری، یعنی ستسوانا (Setswana)، صحبت می‌کنند. تعدادی از آن‌ها هم در حضور دوستان غیربومی خود، به بیان احساسات منفی نسبت به زبان مادری خود می‌پردازند.

لذا زبان رسمی بر زبان مادری غالب گشته است. نتایج این تحقیق با نتایج حاصل از تحقیقات فیشمن (Fishman, 1967)؛ گل (Gal, 1979)؛ پاراشر (Prasher, 1980)؛ دورین (Dorian, 1981)؛ دیوید و همکارانش (David., Ibtisam, Kaur, 2003)؛ وارداف (Wardhaugh, 2004)؛ پارک (Park, 2007)؛ (Martin, 2009)؛ لتشولو (Letsholo, 2009)؛ هپتور (Habtoor, 2012)؛ نامعی (۲۰۱۲) همسو است. نتایج این پژوهش با نتایج تحقیقات لیبرسن (Lieberson, 1972)؛ فسولد (Fasveld, 1981)؛ وارداف (Wardhaugh, 1986)؛ خیا (Xia, 1992)؛ ون لانگ لی (Wen lang li, 1982)؛ ناهمسو است. پژوهش لیبرسن (Lieberson, 1972) در جامعه انگلیسی-فرانسوی زبان مونترال کانادا و پژوهش فسولد (Fasveld, 1981) در منطقه دوزبانه تایوس در ایالات نیومکزیکو آمریکا مواردی از حفظ زبان را نشان می‌دهند. به گفته وارداف (Wardhaugh, 1986)، در پاراگوئه افراد وابسته به طبقات اجتماعی پایین‌تر، در تمامی انواع ارتباطات زبانی خود در محیط‌های روستایی از میان دوزبان گوارانی (زبان مادری تقریباً ۹۰ درصد جمعیت پاراگوئه ولی برخوردار از وجهه اجتماعی پایین) و اسپانیایی (زبان رسمی حکومت و ابزار آموزش و دارای وجهه اجتماعی بالا) زبان گوارانی را انتخاب می‌کنند. به بیان دیگر، آن‌ها بر حفظ زبان مادری خود پافشاری می‌کنند. مغایر با گزارش وارداف (Wardhaugh, 1986)؛ خیا (Xia, 1992) در مطالعه خود در زمینه حفظ زبان چینی توسط چینی‌های مهاجر در آمریکا، به این نتیجه دست یافت که چینی‌های مهاجر، با بالا بردن موقعیت اجتماعی و اقتصادی خود و با به دست آوردن پست‌های مهم دولتی در آمریکا بر میزان وفاداری به زبان مادری‌شان افزوده‌اند و به هویت و زبان ملی خود می‌بالند. خیا (Xia) این نتیجه را با نتیجه به‌دست‌آمده از پژوهش ون لانگ لی (Wen lang li, 1982) در آمریکا همسو می‌داند. مطالعه لی نشان داد چینی‌هایی که از جایگاه اجتماعی و اقتصادی بالاتری برخوردارند نسبت به چینی‌های برخوردار از وضعیت اقتصادی پایین‌تر، تلاش‌های بیشتری برای حفظ زبان مادری‌شان از خود نشان می‌دهند. استفاده محدود گویشوران از زبان مادری در ارتباطات غیررسمی، حتی در تعامل با بزرگسالان یعنی پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها و والدین، همچنین توجه به تغییرات درون‌گروهی و کاربرد فارسی در حوزه‌های رسمی‌تر که جامعه را به‌سوی دوزبانگی سوق می‌دهد سبب می‌شود تا نتوان چندان به بقای این گویش در آینده امیدوار بود. دلیل این امر این است که امروزه در بافت‌های چندزبانه، بسیاری از والدین ترجیح می‌دهند که فرزندان خود را بیشتر با زبان غالب پرورش دهند تا زبان مادری. این پدیده در میان گویشوران بومی گویش کلهری از زبان کُردی نیز در بافت چند زبانه ایران مشاهده می‌شود. نامعی (۲۰۱۲) در پژوهش خود به این نتیجه دست یافت که ایرانیان مهاجر در سوئد به‌منظور دست یافتن به همان سطح زندگی که قبل از مهاجرت از آن برخوردار بودند و نیز برای کمک به فرزندان‌شان در امر تحصیل و فراهم کردن شرایط مناسب زندگی برای آن‌ها، به سمت زبان اکثریت، یعنی زبان سوئدی، سوق می‌یابند و به دنبال حفظ زبان مادری خود نیستند؛ اما نکته حائز اهمیت آنکه میان به‌کارگیری گویش کلهری در سه پایه تحصیلی (اول، دوم و پیش‌دانشگاهی) تفاوت وجود دارد و نتایج آزمون آماری تفاوت چندانی را نشان

داد. افراد دارای سطح تحصیلات پیش‌دانشگاهی در حوزه‌های اجتماعی بیش از بقیه و افراد پایه اول از دیگر سطوح تحصیلی از زبان فارسی استفاده می‌کنند. همچنین افراد پایه اول بیشتر از دیگر گروه‌ها و افراد دارای سطح تحصیلات پیش‌دانشگاهی کمتر از بقیه گروه‌های تحصیلی از زبان کلهری استفاده می‌نمایند. همچنین در حوزه‌های اجتماعی کاربرد زبان فارسی بین دختران بیشتر از پسران است و پسران نیز بیشتر از دختران به استفاده از زبان کلهری تمایل دارند. نتایج این یافته با نتایج تحقیق سعادت، مهرپور و ویسی (۲۰۰۸) در تناقض است. دوزبانگی و تک‌زبانگی را در بین گویشوران کُردی کلهری مورد مطالعه قرار داده‌اند؛ هدف از تحقیق انجام‌شده از سوی این افراد، مقایسه بین گویشوران تک‌زبان فارسی و گویشوران دوزبان فارسی کلهری از نظر موفقیت در فراگیری انگلیسی بود. نتایج این تحقیق نشان داد که جنسیت رابطه چندانی با دوزبانگی در مقابل تک‌زبانگی ندارد. در عوض، بیشتر دانش‌آموزان از طبقه پایین اجتماعی- اقتصادی به صورت دوزبان پرورش یافته‌اند. به علاوه، دانش‌آموزان دوزبان در یادگیری زبان انگلیسی از رقبای تک‌زبان پیشی گرفتند (Saadat, Mehrpour, 2008). همچنین نتایج این یافته همسو است با یافته‌های دیوید و همکارانش (David, Ibtisam, Kaur, 2003) در مالزی انجام شد. در این حوزه زبان غالب در کل حوزه‌ها مورد بررسی قرار گرفت. این که آیا این گروه هنوز زبان قومی خود را حفظ کرده‌اند یا خیر؟ نتایج نشان داد بیش از ۷۵ درصد از آزمودنی‌ها زبان اولشان پنجابی و زبان اول ۲۱/۲ درصد آن‌ها انگلیسی بود. گروه دوم بین ۲۵-۱۹، ۳۵-۲۶ سال سن داشتند. در جامعه سبک هم در حوزه خانواده هم در حوزه خارج از خانواده، نوعی تغییر از زبان قومی‌شان، پنجابی، به زبان انگلیسی یا آمیزه‌ای سه زبان پنجابی، زبان انگلیسی و مالی رخ داده بود. در واقع بیشتر پاسخگویان جوان آمیزه‌ای از سه زبان را به کار می‌بردند. حتی زبان غالب جوان‌ترها و مسن‌ترها در عبادتگاه‌ها متفاوت بود. جوان‌ترها بر زبان قومی خود کمتر مسلط بودند. با بالاتر رفتن سن کاربرد و میزان مهارت در زبان پنجابی بیشتر می‌شد. تمایز موجود در انتخاب زبان میان گروه‌های سنی مختلف شاهی بر تغییر زبان بود. جوان‌ترها تمایل به کاربرد زبان انگلیسی داشتند؛ و این زبان در گفتارشان که آمیزه‌ای از سه زبان به همراه کد آمیزی و کد گردانی بود، غالب شد. میزان تحصیلات نیز عامل مهمی بود. با بالا رفتن سطح تحصیلات کاربرد زبان انگلیسی افزایش می‌یافت. با وجود کاربرد زبان پنجابی در میان مسن‌ترها، تمایل زوج‌های جوان به زبان انگلیسی باعث شده بود که بقای این زبان به خطر بیفتد (David, Ibtisam, Kaur, 2003). همچنین این نتیجه با نتایج یافته جاکرو و ادونگو در تضاد است و علت این تضاد ممکن است مربوط به جامعه تحقیق، سال تحقیق و نوع ابزار تحقیق باشد. جاکرو و ادونگو با بررسی داده‌های به دست آمده از گفتار گویشوران مرد و زن، نتایجی را در این زمینه ارائه می‌دهند. این پژوهش در کشور کنیا و در بافت آفریقایی صورت گرفته است و زبان‌های مورد بررسی از نظر رمزگردانی انگلیسی، کیسواحیلی (Kiswahili)، شنگ (Sheng) (زبان عامیانه) و زبان‌های محلی بوده است. آن‌ها، با مقایسه داده‌های حاصل از پژوهش به این نتیجه رسیده‌اند که گویشوران مرد کنیایی در گروه‌های مختلط، نسبت به زنان رمزگردانی

بیشتری داشته‌اند. از سه گروه مختلط، مردان در دو گروه رمزگردانی بیشتری داشته‌اند؛ اما در گروه‌های تک‌جنسیتی گروه زنان نسبت به مردان رمزگردانی بیشتری داشته‌اند (Jagero and Odongo, 2011: E. 40). به‌طور کلی با توجه به مبانی نظری تحقیق و نتایج حاصل از این تحقیق می‌توان نتیجه گرفت که زبان محلی نسبت به زبان فارسی در حال زوال تدریجی است. نگرش‌های منفی در میان گویشوران کردی کلهری نسبت به زبان مادری‌شان از یک‌سو و تلاش آن‌ها در جهت دوری جستن از سوی دیگر و در نتیجه، زوال تدریجی این دسته از زبان‌ها می‌شود. در اینجا، شایسته است به‌منظور عینی‌تر کردن موضوع بحث به دو نکته کلیدی اشاره کنیم. یکی از این عوامل صداوسیما و دیگری وزارت آموزش و پرورش است. سازمان صداوسیما و به‌ویژه تلویزیون که رسانه‌ای ملی است با تولید و پخش انواع سریال‌ها، فیلم‌ها و سایر برنامه‌هایی که در آن‌ها نقش‌های منفی و مضحک با فارسی آمیخته با لهجه‌های محلی ایفا می‌شود ناخواسته به زوال زبان‌های محلی کشور کمک می‌کند، چرا که چنین برنامه‌هایی به وجهه گویشوران زبان‌های محلی آسیب می‌رساند. در چنین شرایطی گویشوران زبان‌های اقلیت، به‌ویژه نوجوانان و جوانان، نسبت به خود و لهجه خود نگرش منفی خلق می‌کنند؛ و نتیجه آنکه این دسته از گویشوران بر اساس نگرش‌های منفی ایجاد شده از به‌کارگیری زبان مادری خود پرهیز می‌کنند. از این‌رو از صداوسیما انتظار می‌رود از یک‌سو از تولید و پخش برنامه‌های تلویزیونی و رادیویی که جایگاه زبان‌های محلی کشور و منزلت اجتماعی گویشوران آن‌ها و نیز وحدت ملی را تهدید می‌کنند قویاً خودداری کنند و از سوی دیگر، با تولید و پخش برنامه‌های فاخر در دو سطح ملی و استانی در جهت ایجاد نگرش مثبت نسبت به همه زبان‌ها و گویش‌های رایج در کشور و نیز گویشوران آن‌ها گام‌های مؤثرتری بردارند. وزارت آموزش و پرورش نیز با اختصاص ندادن جایگاهی برای زبان‌های محلی کشور در برنامه‌های مدارس و تمرکز محض بر زبان فارسی ناخواسته این باور را به دانش‌آموزان دوزبانه غیرفارسی‌زبان کشور القا کرده است که زبان مادری آن‌ها در آموزش رسمی کشور ناتوان است و از این‌رو، کاربرد آن می‌بایستی به بیرون از کلاس و مدرسه محدود شود. بر این اساس انتظار می‌رود وزارت آموزش و پرورش با بهره‌گیری از تجربیات موفق کشورهای دو یا چندزبانه مشابه ایران در زمینه چگونگی استفاده از زبان مادری دانش‌آموزان دوزبانه در امر آموزش و نیز انجام تحقیقات کاربردی در این زمینه بستر بهره‌مندی از زبان‌های محلی کشور در کنار زبان فارسی در کلاس‌های درس و حتی تدریس آن‌ها را فراهم نماید. بدین شکل زبان‌های محلی هم همانند زبان فارسی بااهمیت جلوه داده می‌شوند که این خود نگرش مثبتی را در میان دانش‌آموزان دوزبانه غیرفارسی‌زبان کشور نسبت به زبان مادری‌شان ایجاد می‌کند و در مقیاسی وسیع‌تر، از زوال تدریجی زبان‌های محلی جلوگیری می‌کند. بر پایه این دو نکته، هرگونه تلاش در جهت حفظ و تقویت زبان‌های محلی ایران در کنار زبان فارسی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. از آنجایی که هر تحقیقی، هرچند به‌صورت جامع، قادر نیست به همه ابعاد موضوع نگرسته و از جنبه‌های مختلف به آن بپردازد؛ بنابراین پیشنهادهایی به شرح ذیل برای انجام تحقیقات بعدی برای پژوهشگران آتی ارائه می‌گردد:

- پیشنهاد می‌شود در پژوهشی دیگر، به بررسی رابطه مؤلفه‌های دیگر تأثیرگذار بر میزان رمزگردانی گویشوران دوزبانه پرداخته شود.
- پیشنهاد می‌شود در پژوهشی دیگر، بر روی میزان رمزگردانی سایر گویشوران دوزبانه پرداخته شود.
- پیشنهاد می‌شود در پژوهشی دیگر، به بررسی تأثیر رمزگردانی بر مسائل مربوط به آموزش و سایر مؤلفه‌های مرتبط با موضوع رمزگردانی پرداخته شود.

References:

- Alfonzetti, G. (2014). "Age-Related Variation in Code-Switching Between Italian and the Sicilian Dialect. Athens". ATINER'S Conference Paper Series. No. LIT 2014-0989.
- Bhatia, T. K. and Ritchie, W. C. (Ed.). (2013). *The Handbook of Bilingualism and Multilingualism*. 2nd edition. Oxford: blackwell publishing ltd.
- Blom, J. P. and Gumperz, J. (1972). 'Social meaning in linguistic structure: code switching in Norway' in Gumperz, J. and Hymes, D. (Eds) *Directions in Sociolinguistics*, New York: Holt, Rinehart and Winston, pp. 401-434.
- Bista, K. (2010). "Factors of Code-switching among Bilingual English Students in the University Classroom: A Survey". *Online Submission*. 9(29): 1-19.
- Bullock, B.E., Toribio, A.J. (2009). "Themes in the Study of Code-Switching". *Cambridge Handbook of Linguistic Code-Switching*. B.E. Bullock and A.J. Toribio (eds.). Cambridge: Cambridge University Press. pp.1-17.
- Chan, H.Y. (2004). *English-Cantonese Code Mixing among Secondary School Students in Hong Kong* (Unpublished Master's Thesis). Hong Kong: University of Hong Kong.
- David, M., Ibtisam, M., Kaur, S. (2003). Language maintenance or language shift among the Punjabi Sikh Community in Malaysia. *International journal of the sociology of language*, 161, 1-24.
- Dyers, C. (2008), "Language shift or maintenance? Factors determining the use of Afrikaans among some township youth in South Africa", *Stellenbosch Papers in Linguistics*, 38: 49-72.
- Duron, R. (2006) "Critical Thinking Framework For Any Discipline" *International Journal of Teaching and Learning in Higher Education*. 17(2): 160-169.
- Fasold, R. (1984), *The sociolinguistics of society*, Oxford, Basil Black
- Fishman J. 1967. Bilingualism with and without diglossia. Diglossia with and without bilingualism. *Journal of Social Issues* 23.2: 29°38.
- Guo, L.H. (2006). "Morpho-Syntactic Features of Chinese-English Code-Switching on Campus". *Modern Foreign Languages*. 29(3). pp. 20-28.
- Gumperz, J.J. (1971). "Language in Social Groups". *Language and National Development*. Vol. 3. Stanford, CA: Stanford University Press.
- Habtoor, H. A. (2012), "Language maintenance and language shift among second generation Tigrinya-speaking Eritrean immigrants in Saudi Arabia", *Theory and Practice in Language Studies*, 2(5): 945-955.

- Hamers, J. F., Blanc, H. A. (2000). *Bilinguality and bilingualism*. Cambridge: Cambridge University Press. Harvard University Press, 370pp. jazykovd kultura, 32—84 (Prague); reprinted in Havranek 1963.30 — 69. Mouton de gruyter.
- Jagero, N., and Odongo, E. K. (2011). Patterns and Motivations of Code Switching among and Female in Different Ranks and Groups in Nairobi Kenya". *International Journal of Linguistics*. Vol. 3. No. 1. E 40.
- Kedrebeogo, G. (1998), "Language maintenance and language shift in urkina Faso: the case of the koromba", *studies in the linguistic sciences*, 28(2): 165-192.
- Kyuchukov, H. (2012). "Code-Switching among Trilingual Turkish-Speaking Roma Children in Bulgaria". *Psychology of Language and Communication 2012*. 6(1). pp. 75-84.
- Myers-Scotton, Carol (2002). "Explaining aspect of codeswitching and their implications" In J.
- Muyesken (2005). One speaker two languages: Cross disciplinary perspective on code-switching (pp.177–197).
- Nicole (ed.): One mind, two languages; *Bilingual Language Processing*. Oxford: Blackwell, 84-116.
- McKenzie, M. R. (2010), *The Social Psychology of English as a Global Language; Attitudes, Awareness and Identity in the Japanese context*, Heidelberg, Germany, Springer.
- Namei, S. (2012), *Iranians in Sweden: A study of language maintenance and shift*, Uppsala Universitet.
- Nilep, Chad (2006). "Code Switching in Sociocultural Linguistics". *Colorado research in linguistics*. vol. 19. Boulder: University of Colorado.
- Preston, D. R. (1989), *Sociolinguistics and second language acquisition*, Oxford, Basil Blackwell.
- Poplack, S. (1980). "Sometimes I'll start a sentence in Spanish y termino en espanol: Toward a typology of code-switching". *The bilingualism reader*. 18(2): 221-256.
- Saadat, M., Mehrpour, S. and H. Weisi. (2008). "Bilinguality vs. Monolingualism among Kalhuri Kurdish Speakers: Gender, Social Class and English Language Achievement". *The Journal of Teaching Language Skills (JTLS)*. 5(3): 27-50.
- Salimi.S(2008). *Bilingualism study of Persian and Turkish among high school students in Bojnourd*. Master's Thesis. Tehran: Faculty of Farsi and Foreign Languages, Allameh Tabataba'i University.
- Spolsky, B. (1998). *Sociolinguistics*. Oxford: Oxford University Press.
- Wardhaugh, D. (2004). *An Introduction to Sociolinguistics*. Oxford: Blackwell: 4th ed
- Wardhaugh, R- (1986), *An introduction to sociolinguistics*, Oxford, Basil Blackwell.
- Wei, L. (2002). "The Bilingual Mental Lexicon and Speech Production. Process". *Brain and Language*. 81. pp. 691-707.
- Weinreich U. a. and W. Labov and M. Herzog (1968), *Empirical Foundations for a Theory of Language Change, Directions for Historical Linguistics: A Symposium*, Eds.by Winfred Lehmann and Yakov Malkiel, Austin, University of Texas Press, pp. 95-189.
- Wilkerson, C. (2012). Instructors' use of English in the modern language classroom. *Foreignlanguage Annals*, 41: 310–320.
- Xia, N- (1992), "Maintenance of the Chinese language in the United States", *The Bilingual Review*, 17(3): 195-209.